**سرمقاله 34**

**صمیمیت عامل نفوذناپذیری در برابر شایعه**

**دکتر حجت‌اله مرادی**

در آیات متعدد، برقراری روابط صمیمانه و برادرانه بین نیروهای مسلح جهادی مؤمنان و مسلمانان مطرح و بر ترک مخاصمه و نزاع، اختلاف و... تأکید شده است، زیرا باعث سستی و عدم اثربخشی تدابیر و اقدامات آنان می‌شود. بنابراین چنین استنباط می‌شود که در مجموع، آیاتی از این دست شاخصی را معرفی می‌کنند که وجود آن در جامعه و در بین نیروی مسلح از سویی عامل افزایش روحیه و از سوی دیگر نشان‌دهنده روحیه بالا و قوی یگان است. بر این اساس، قرآن می‌فرماید:

«محمد(ص) فرستاده خداست و آنان كه با اويند سخت‌گيرانند بر كفار و مهربانند به خويشتن» (فتح/ 29). «اطاعت کنید خدا و پیغمبرش را و نستیزید با هم که سست شوید و برود نیروی شما و شکیبا شوید همانا خدا با صبرکنندگان است» (انفال/ 46). «و اگر دو گروه از مؤمنان کارزار کردند پس آشتی افکنید میان آنان...» (حجرات/ 9).

«جز این نیست که مؤمنان برادرند پس آشتی افکنید میان برادران خویش...» (حجرات/ 10).

«و اگر دشمنان به فکر فریب دادن تو باشند البته مطمئن باش که خدا ترا کفایت خواهد کرد اوست که به نصرت خود و یاری مؤمنان ترا مؤید و منصور گردانید. و خدا الفت داد دل‌های مؤمنان را، دل‌هایی که اگر تو با تمام ثروت روی زمین می‌خواستی الفت‌دهی نتوانستی لیکن خدا تأليف قلوب آنها کرد...» (انفال/62-63).

همچنین در آیات دیگر مبنی بر نداشتن روابط نزدیک و عدم‌قبول سرپرستی و ولایت غیرمؤمنان اشارات مکرر شده است: «ای اهل ایمان از غیرهمدینان خود دوست صمیمی همراز نگیرید...» (آل عمران/ 118).

ممکن است این پرسش مطرح شود که آیات چه ارتباطی به نیروهای مسلح و جهادی دارد. باید توجه داشت که در زمان نزول آیات (حتی تا کنون) هیچ دوره ای را نمی‌توان یافت که مؤمنان در دعوت به جهاد و مبارزه و قیام علیه ظلم و ستم نبوده باشند، بنابراین مؤمنان در همه دوره‌ها اعضای نوعی یگان‌ رزمی و جهادی بوده‌اند، مگر آنکه به دستور پیامبر(ص) یا امام معصوم(ع) از درگیری علنی نهی شده باشند، اما ایجاد آمادگی برای مبارزه در همه جبهه‌ها به‌طور مستمر امر شده است. این وضع به‌ویژه در صدر اسلام در زمان نزول آیات که مؤمنان پیوسته در حال کارزار (جهاد و قتال...) بودند و پیامبر(ص) فرمانده یگان و مؤمنان، رزمندگانِ یگان بوده‌اند قابل توجه است.

امام علی(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر می‌نویسد:

... پس در کارهای آنان (فرماندهانت) به گونه‌ای بیندیش که پدری مهربان درباره فرزندش می‌اندیشد و آنچه را که آنان را بدان نیرومند کنی در نظرت بزرگ جلوه کند و نیکوکاری تو نسبت به آنان را - هرچند اندک باشد- خوار مپندار، زیرا نیکی تو، آنان را به خیرخواهی تو خواند و گمانشان را نسبت به تو نیکو گرداند و رسیدگی به امور کوچک آنان را به خاطر رسیدگی به کارهای بزرگشان وامگذار زیرا از نیکی اندک تو سود می‌برند و به نیکی‌های بزرگ تو بی‌نیاز نیستند (نهج‌البلاغه، نامه 53).

حضرت علی(ع) صمیمت را تا آن حد بین نیروها و فرمانده و به تبع آن بین نیروها می‌پسندند که در نامه‌ای به نیروهای مسلح و فرماندهان می‌نویسند: «آگاه باشید که حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم» (نهج‌البلاغه، نامه 53).

حضرت در خطبه‌ای به نقش پرچم‌دار و پرچم در انسجام نیروها اشاره دارند و می‌فرمایند:

«پرچم لشکر را بالا دارید و پیرامون آن را خالی مگذارید و جز به دست دلاوران و مدافعان سرسخت خود نسپارید، زیرا آنان که در حوادث سخت ایستادگی می‌کنند از پرچم‌های خود بهتر پاسداری می‌نمایند و آن را در دل لشکر نگاه می‌دارند و از هر سو، از پیش و پس و اطراف مراقب آن می‌باشند، نه از آن عقب می‌مانند و نه تسلیم دشمن کنند و نه از آن پیشی می‌گیرند که تنها رهایش سازند».

همین فضا و جو صمیمت یکی از زیرشاخص‌هایی را پدید می‌آورد که آن را می‌توان به نفوذناپذیری یگان در برابر شایعه تعبیر کرد. در فضای صمیمیِ میان یگان (نفرات- فرمانده) و اعتماد به سامانه رسمی اطلاع یگان (یا در سطح جامعه- رسانه‌های عمومی) همچنین اعتقاد کامل به فرماندهان (و در سطح جامعه به رهبران) مانع از نفوذ و گسترش شایعه‌های گمراه‌کننده، خصمانه، فریبکارانه و... می‌شود که موجب تضعیف روحیه رزمی افراد است.

برخی از پژوهشگران دو راهکار را برای جلوگیری از افزایش شایعه توصیه می‌کنند: اول اعتمادسازی به رسانه‌های رسمی و دوم ایجاد اعتقاد کامل به رهبران. هر دو این موارد در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در حد اعلای آن وجود دارد زیرا اعضای آن مؤمنان‌اند و آنان:

الف: براساس ظن و گمان سخنی نمی‌گویند و نقل نمی‌کنند. چون بسیاری از ظن‌ها و گمان‌ها را گناه می‌دانند.

«ای آنانکه ایمان آوردید دوری گزینید از بسی گمان‌ها، چه پاره‌ای از گمان‌ها گناه است» (حجرات/ 10).

ب: اگر خبری از غیر خودشان به آنان رسید، درباره صحت و سقم آن تحقیق کرده آنگاه خبر را تبیین می‌کنند.

«ای مؤمنان هرگاه فاسقی خبری برای شما آورد [تصدیق نکنید تا] تحقیق کنید...» (حجرات/ 10).

ج: از همه مهم‌تر از خدا، رسول و اولوالامر اطاعت می‌کنند و به آنها و صحت قول و عملشان اعتماد و اعتقاد دارد.

«ای آنان که ایمان آوردید، فرمان برید خدا و رسول و اولیاء امر (کارداران) را از شما...» (نساء/ 59).